

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ژان میشل ورنوشه
برگردان از: حمید محوی
۱۴ جون ۲۰۱۳

ایران، تخریب ضروری

بخش ۹



درباره موتور جغرافیای انرژی

موتور اقتصادی برای این که بتواند به کار افتد به کربوران نیازمند است، خاصه به قدرت موتوری نیازمند است که حاصل انرژی فسیلی، ذغال سنگ، نفت و گاز یا هیدرات متان می باشد. از هم اکنون می دانیم که گاز همان سوختی است که در آینده وقتی ذخائر نفت به پایان رسید، جایگزین آن خواهد شد.

از هم اکنون می دانیم که فن آوری های نوین با تبدیل گاز طبیعی به حالت مایع، انتقال آن را تسهیل نموده، و به طور قطع در آینده منابع گاز جایگزین منابع نفتی خواهد شد. چنین تحولی در عین حال به بهانه اصلی برای مبارزات و جنگ هائی تبدیل خواهد شد که برای تسلط بر استخراج، بهره برداری، انتقال، تغییر و تبدیلات و تجارتی ساختن آن صورت خواهد گرفت.

به همین علت ایران به عنوان سومین دارنده منابع گاز جهانی، و مدیترانه شرقی (۳۳) قطب منازعات بین قدرت های بزرگ با منافع رقابت آمیز و متضاد خواهد بود. همین وضعیت برای مواد ضروری در تولید انرژی هسته ئی وجود دارد، امروز اورانیوم و فردا شاید توریوم، به علاوه مواد معدنی نادر که برای ساخت ابزارهای الکترونیک ضروری می باشد. منابع انرژی فسیلی یا هسته ئی که ماشین اقتصادی را به گردش در می آورد، با تولید محصولات واقعی، همان گونه که پیش از این گفتیم، مواد خام پس از عبور از سانتریفوژهای غنی سازی، بر اساس مهندسی مالی به پول مجازی و قدرت ناب ارتقاء می یابد.

سرمایه گذاری های عظیم و دراز مدت در پژوهش و بهره برداری از انرژی های فسیلی در محیط های بیش از پیش مشکل و پیچیده (مانند شن، شن قیر، حفر چاه در اعماق آنها : ۳۰۰۰ متر در خلیج مکزیک، ۵۰۰۰ متر در اعماق مدیترانه)، انطباق و وابستگی حداکثر جوامع صنعتی - و نه تنها صنایع - به این نوع انرژی ها موجب ایجاد اینرسی فوق العاده در نظامی شده است که زندانی منابع انرژی بوده که متارکه با آن در کوتاه مدت ناممکن به نظر می رسد. زندانی به معنای تابع، و به این معنا که تصمیم گیرنده ها دیگر انسان ها نیستند بلکه ماشین اقتصادی و ساختاری است - که با اشتباهی سیری ناپذیر برای بلعیدن انرژی - تصمیم می گیرد. این ماشین سیری ناپذیر است که انتخاب و راهکارها را به تصمیم گیرنده های بزرگ بین المللی دیکته می کند : یعنی ابتداء، ابر قدرت ها و اتحادیه ها و یا همسویی منافی که ناشی از مقتضایات است.

حال این وضعیت را در سطح جغرافیای ستراتیژیک مورد بررسی قرار دهیم : سیاست خارجی دولت ها به شکل تنگاتنگ و همه جانبه به این نیازی که امروز نفرین شده به نظر می رسد، بستگی دارد. البته باید یادآور شویم که وجه بارز در باب انرژی، با تمام اهمیت بنیادی آن، تنها موردی نیست که درک سیر تحولی نظام جهانی به سوی فاجعه را ممکن می سازد.

نظام اقتصادی که تقریباً کاملاً بر اساس انرژی فسیلی عمل می کند - (نیروی کششی حیوانی در حال حاضر دارای اهمیت کمتری نسبت به کار خود انسان می باشد) - چرخ دنده های تمایلات سلطه جویانه آمریکا- جهان را تشکیل می دهد (۳۴) به ویژه بر اساس دالر و برتری نظامی، با تمام نتایجی که چنین وضعیتی در سطح جغرافیای ستراتیژیک می تواند به همراه داشته باشد. در اینجا باید درباره «منطق قدرت» بگوئیم که به شکل مستقل، مستقل از ذهنیت و خواست انسان عمل می کند. این منطق قدرت است که تعیین کننده رویکرد و گزینش خاصی نزد تصمیم گیرنده های سیاسی آنگلو ساکسون می باشد - و نه به عکس - به طور روشن، قاعده بازی از طریق خود واقعیات تعیین می شود و نه کاملاً توسط مجریان، تصمیم گیرنده هائی که در بهترین حالت در خدمت چنین منطقی استند. قابلیت منطبق ساختن ضروریات نظام، شاید تعیین کننده شاخص های موفقیت و شکست سیاسی باشد. وجه سیاسی، فرد آدمی نیست که اداره امور را به دست می گیرد، بلکه آن فردی است که به بهترین شکلی منطق نظام را به کار می بندد و به ضروریات آن پاسخ می گوید. بر این اساس است که می بینیم مسؤولان خیره فنی مانند «ماریو دراگی» در بانک مرکزی اروپا به خدمت گرفته می شود و یا «ماریو مونتی» نخست وزیر ایتالیائی که هر دو از محافل امور مالی به ویژه از گروه گلدمن ساکس استند. بر این اساس، سیاستمداران و نظامیانی که مأموریت به کار بستن مدیریت نامرئی معرفت شناختی نظام را به عهده می گیرند، تنها در صورتی معتبر خواهند بود که نشان دهند که تا چه اندازه می توانند طرح های از پیش تعیین و تحمیل شده نظام را به اجراء گذارند.

سرانجام موفقیت و یا شکست هر ستراتیژی برای تسخیر و گسترش نفوذ به مهارت و قابلیت رهبر ارکستر در شیوه اجرای طرح نقشه آن بستگی دارد.

به همین گونه، شخصیت های بزرگ امور مالی در درون محیط بسته ای که آن را به نام بازار می شناسیم فعال بوده و با یک دیگر رویارویی می کنند، چنین عاملانی می توانند ابتکار عمل نشان دهند و به ایجاد گشایش های تازه نائل بیایند، ولی با این وجود تابع و برخوردار شونده، ابژه و سوژه قواعد بازی و تمام ضرورت های ساخت و ساز زمینه ای هستند که در آن با یک دیگر رویارویی می کنند، ولی بی وقفه می کوشند تا حدود جغرافیائی و دینامیک را گسترش دهند (همواره قدرت بیشتر و انرژی مولد بیشتر) تا پیوسته آزادی عمل بیشتری به دست آورند. آیا می توانیم گازی را که در حال گسترش است و محدوده قانونی آن فروپاشیده متوقف کنیم؟

پس از فروپاشی قوانین اخلاقی، کلان صنایع مالی بیش از پیش از محدوده حقوق عمومی خارج می شود، بی آن که عاملی بتواند مانع گسترش چنین وضعیتی شود و از حرص طمع نظام جلوگیری کند. به همین دلیل است که ایران باید تخریب شود.

فرمانروا و طعمه : تخریب دشمن اختراعی و تعیین شده

یک بار دیگر به موضوع عراق و افغانستان باز می گردیم، در نگاه نخست شکست سیاسی و نظامی آشکار در عین حال داوری های قاطعانه را تعدیل می سازد. در واقع عراق را باید یک فاجعه انسانی تلقی کنیم، و اگر تنها به اهدافی که رسماً اعلام شده بود، به ویژه بیانیه های مرتبط به آزاد سازی ملت تحت ستم عراق، و ارتقاء دموکراسی پس از فروپاشی دیکتاتوری بعثی اکتفاء کنیم در عین حال باید شکست سیاسی را نیز به این فاجعه بیفزائیم. وضعیت آزادی به تعبیر غرب، خاصه پس از کشتارهایی که صورت گرفت - به ضرب بمب هائی که توسط ب ۵۲ عراق را مفروش ساخت - امروز در مقایسه با دوران قبلی، می بینیم که مردم عراق نسبتاً در دوران دیکتاتوری بعثی خوشبخت تر زندگی می کردند.

ولی اگر فرض کنیم که هدف نهائی، واقعی و حقیقی تهاجم نظامی سال ۲۰۰۳ تخریب حاکمیت ملی عراق و قدرت منطقه ئی بوده، در این صورت همه چیز روشن و قابل درک می گردد. در حال حاضر، نفت جریان دارد حتی اگر امریکائی ها کاملاً به آن تسلط نداشته باشند، زیرا نفت خریداری شده توسط این و یا آن مقاطعه کار به احتمال خیلی زیاد دیر یا زود در مخازن نفکش ها بار شده و در اختیار یکی از هفت خواهران (۳۶) قرار می گیرد. هرج و مرجی که نئو کنسرواتورها و اشینگتن (۳۷) خواهان آن بودند و در رویاهایشان می پروراندند، و از همین نظریه دست به ارتکاب عمل زدند، یعنی از رادیکالیسم سیاسی به مفهوم امریکائی به حرکت عینی و عمل امپریالیستی دست زدند. در نتیجه، از این دیدگاه، تخریب عراق یک موفقیت تمام عیار تلقی می شود. حتی اگر برای طرح تخریب عراق می بایستی پیامد آن را برای تقویت نفوذ ایران از طریق جامعه شیعیان عراق که اکثریت را تشکیل می دهند پیشبینی می کردند، اگر چه تفاوتی بین شیعیان عرب و شیعیان عراقی وجود دارد. ولی این موضوع داستان دیگری است.

یادآوری کنیم که گزینش نظامی و هزینه انسانی آن (یک میلیون و سیصد هزار قربانی عراقی، بر اساس محاسبات قابل اطمینان بین عملیات «شوگ و بهت» طی سال ۲۰۰۳ و مرگ و میرهای سالهای جنگ سرد داخلی و جنگ تروریستی سازمان یافته توسط عربستان سعودی و لیکود که اهداف مشترکی داشتند، و دیگران، ولی ارقام به هیچ عنوان مفهوم مشخصی ندارد) به ندرت مورد توجه قرار گرفته است. برای مشوقان این نوع جنگ ها، آموزش «آزادی» قیمت ندارد. جمله معروف «مادلن البرایت» که در آن دوران وزیر امور خارجه بود به تاریخ پیوست، او در مورد کودکان عراقی که طی محاصره عراق بین سالهای ۲۰۰۳/۱۹۹۰ قربانی شده بودند، گفته بود: «این بهائی بود که باید پرداخت می شد».

جنگ چریکی

مایکل لدین (۳۸) پیشگام نظریه هرج و مرج سازنده - که در اصل ایدئولوژی اقتصادی بود بیش از آنکه به نظریه سیاسی تبدیل شود - تا سال ۲۰۰۷ دست راست کارل راو (۳۹) بود که مشاورت جورج بوش را به عهده داشت. او در هماهنگی با ریچارد پرل (۴۰) در بطن «انستیتو انترپرایز امریکا» (۴۱) نظریه هرج و مرج سازنده را کاملاً متحول کرد. البته باید دانست که جهت به روز سازی نظریه هرج و مرج سازنده حدود بیست نفر از اعضا در بطن انستیتو انترپرایز امریکا در سایه ریاست جمهوری بوش فعالیت می کردند. در این گروه بنیانگذاران نهاد یهودی برای امور

امنیت ملی (۴۲) حضور داشتند، مشاور دفتر روابط عمومی «انجمن بنادور» (۴۳) (جریان نئو محافظه کار در سیاست امور خارجه آمریکا در خاورمیانه)، که در واقع در زمینه «تجاوز به توده ها از طریق تبلیغات» کسب اعتبار کرد، با تکیه به نظریاتی که سرژ چاخوتین (۴۴) کمونیست فرانسوی- شوروی در سال ۱۹۳۹ مطرح کرده بود و به همچنین نظریات ادوارد برنایس (۴۵) خواهر زاده زیگموند فروید بنیانگذار روانکاوی، در کتاب «تبلیغات» به سال ۱۹۲۸.

طی بهار ۲۰۰۹، در کوران اعتراضات مردمی در ایران علیه نتایج انتخابات ریاست جمهوری «انجمن بنادور» در عملیات ارتباطاتی در رابطه با «انقلاب سبز» - پیش از واقعه و در طی رویدادها... - که قرار بود به سرنگونی رژیم ایران بینجامد شرکت داشت. مایکل لدین به همکاری لابی موریس امینای (۴۶) رئیس اجرایی گروه فشار قدرتمند کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل (۴۷) عهده دار نظارت روی این عملیات بودند.

در آن دوران، در حالی که تأثیرات از سرگیری بازار بورس نتایج خود را نشان می داد، دولت آمریکا از گزینش وارد آوردن ضربه مستقیم به ایران قطع نظر کرد و اقدامات خود را بر اساس ستراتیژی غیر مستقیم برای سرنگونی قدرت حاکم با استفاده از نیروهای معترض داخلی، ولی با پشتیبانی و تحریکات خارجی تنظیم نمود. این سیاست با رأی کنگره کنار گذاشته شد به انضمام یک پاکت ۴۰۰ میلیون دلاری که مشخصاً به تعویض رژیم در ایران اختصاص داشت. طی اپریل ۲۰۰۹، موریس و لدین در امریکن انترپرایز انستیتو در مورد انتخابات ریاست جمهوری ایران با شرکت سناتور «جوزف لیبرمن» نامزد قدیمی معاون ریاست جمهوری گردهمایی تشکیل داد. در ماه می همان سال، به مدیریت جان بولتون سفیر سابق در سازمان ملل متحد، نئو محافظه کار و عضو امریکن انترپرایز برای تحقیقات در زمینه سیاست عمومی میزگرد دیگری تشکیل شد که هدف آن بررسی موضع گیری مسکو بود که آیا تهران را به ازای برچیدن سپر موشکی در لهستان و چکوسلاواکی معاوضه خواهد کرد یا نه؟ معامله ای پیچیده، به ویژه در زمینه جغرافیای اقتصادی، جغرافیای انرژی، به دلیل کشف گاز طبیعی در سوریه و مدیترانه شرقی که جلوی چشمان ولادیمیر پوتین به نمایش گذاشتند تا رژیم سوریه را تنها بگذارد. تمام پرسش این است که آیا رئیس جمهور روسیه متقاعد خواهد شد که راه دمشق مستقیماً و الزاماً نه به تهران می انجامد و نه به شکل غیر مستقیم سر از مسکو درمی آورد؟

پی نوشت :

۳۳) این منطقه (لبنان، اسرائیل، سوریه و فلسطین) دارای مخازن عظیمی بوده که تا ۴۵۹ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده است. این مخازن سال ۲۰۱۰ توسط گروه امریکائی نوبل کشف شد.

۳۴) تمایلات سلطه جویانه امریکا-جهان تنها مادی و مادی گرا نیست، بلکه از ابعاد دیگری در زمینه های ایدئولوژیک و مذهبی نیز برخوردار است. نظریاتی که سال ۱۸۴۵ وقتی که تگزاس را ضمیمه می کردند رایج شد که برای ملت امریکا رسالتی مقدس در گسترش دموکراسی و تمدن در غرب میسی سیپی قائل بود. به اعتقاد مبلغ این نظریات جان اوسولیان (۳۵) اشغال قاره به مثابه وظیفه و حقوق مقدس تلقی می شد : «سرنوشت ظهور ما در قاره به رحمت الهی برای گسترش آزاد به ما سپرده شده است...»

John O'Sullivan (3)

۳۶) هفت خواهران. هفت کارتل نفتی

۳۷) گروه نظریه پردازان اتاق فکری نئو کنسرواتورها، یعنی گروهی که در ادامه جریان فکری پسا تروتسکی، ماکیاوول، کارل اشمیت و لئو ستراس تشکیل شد که ستراتیژهای امور مالی و اقتصادی، نظامیان و صنایع را باید به آن اضافه کنیم. دو مقوله نظامی و صنعتی به مجموعه صنعتی- نظامی تعلق دارد که البته کمپانی های نفتی را نیز در بر می گیرد. نیاکان نئوکنسرواتورها، جیمز برنهام، تروتسکیست قدیمی در خط مقدم - او با لئون تروتسکی طی دوران

تبعید به مکزیك مكاتبه داشت - سال ۱۹۴۵ كتاب «ستراتژی جهانی» (برای تسلط بر جهان منتشر کرد و ترجمه فرانسۀ آن سال ۱۹۴۷ منتشر شد). در این متن، برنهایم که از این پس به خدمت دولت ایالات متحده درآمده، به تدوین نظریاتی چند پیرامون مبارزه برای امپراتوری جهانی می پردازد: یا کمونیستها و یا ما!
جیمز برنهایم راه ها و روش هائی را ترسیم می کند که ایالات متحده برای حاکمیت بر جهان باید در پیش بگیرد. زیبیگنیف برژینسکی برای تعیین راه ها و روش ها برای گسترش امپراتوری ایالات متحده، و بر قراری نظم نوین جهانی و به همین گونه تسلط بر اروپا و اورآسیا در قرن بیست و یکم مستقیما از نظریات جیمز برنهایم الهام می گیرد. «بازی جهانی» که برژینسکی اصول آن را در كتاب «شطرنج بزرگ» که به سال ۱۹۹۷ منتشر شد توضیح داده است که چگونه ایالات متحده می تواند به برتری جهانی خود دست یابد. در این كتاب توضیح می دهد که ایالات متحده چگونه باید با پیدایش قدرت های نوین که ممکن است برتری او را به مخاطره بیندازند، رویارویی کند.

Michael Ledeen (38)

Karl Rove(39)

Richard Perle) 40

American Enterprise Institute) 41

Jewish Institute for National Security Affaire (42)

Benador Associates (43)

Serge Tchakhotine (44)

Edward Bernays (45)

Morris Amitay (46)

AIPAC- American Israel Public Affaires Committee (47)

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۳ جون ۲۰۱۳